

## راهبرد و راهکارهای فقهی حل معضلات در حوزه جانوران<sup>۱</sup>

اوگین آکبولاک<sup>۲</sup>

### چکیده

از مسائل مهمی که پیش روی دانش فقه قرار دارد و فقهای شیعه از آن گریزی ندارند و از چالش‌های بزرگ جهانی روزگار ما شمرده می‌شود، معضلات در زمینه جانوران است. فقه شیعه، به‌عنوان دانش فراگیر میان دانش‌های اسلامی و با توجه به ویژگی‌هایی که از آن برخوردار است، پاسخ‌گوی این معضلات می‌باشد. نوشتار حاضر در پی بررسی منابع فقهی، راهبردها و راهکارهایی را برای رفع معضلات در زمینه جانوران ارائه نموده است. بر این اساس، با نگاهی به متون فقه اسلامی، به‌خوبی درمی‌یابیم که راهبرد فقه اسلامی در زمینه حیوانات، حمایت از حقوق حیوانات است. در کنار این راهبرد، راهکارها و آموزه‌های خاص در مورد جانوران موجود است که به‌تفصیل بحث خواهد شد.

**کلیدواژه‌ها:** فقه، راهبرد، راهکار، قواعد فقهی، جانوران، حقوق حیوانات و

احکام.

---

۱. تاریخ وصول: ۱۳۹۸/۰۲/۳۰؛ تاریخ تصویب: ۱۳۹۸/۰۵/۲۵.

۲. دکتری فقه سیاسی جامعه المصطفی | العالمیة | evgin.akbulak@gmail.com

## مقدمه

جانوران جزء آسیب پذیرترین موجوداتی اند که در سال‌های اخیر، مورد تهدید قرار گرفته و انواع نادر آن در معرض انقراض است. این، مشکلی فراگیر و جدی است که فقط به یک نمونه از آن اشاره می‌شود.

وضعیتی که کره زمین دچار آن است، از بین رفتن تعادل میان نوع بشر و حیات دیگر موجودات زنده ساکن کره زمین است. انسان با تخریب محیط زیست و ایجاد انواع آلودگی‌ها، اوضاع زیستی جانداران مختلف را به مخاطره انداخته است. در همین زمینه، تاکنون صدها هزار نوع از انواع موجودات زنده، به علت مداخله بی‌رویه بشر، از بین رفته و صدها هزار نوع دیگر در معرض خطر شدید قرار گرفته‌اند.

فعالان محیط زیست می‌گویند: هرگونه آسان‌سازی ممنوعیت جهانی تجارت عاج، می‌تواند انفجاری در تقاضا به وجود آورد و نسل گله‌های رو به انقراض فیل‌ها را به کلی براندازد. در سال ۱۹۹۰م، پس از یک مبارزه طولانی هیجان‌انگیز، توسط تشکل‌های طرفدار حیات وحش و پس از آن که جمعیت فیل‌های آفریقا، به خاطر شکار و قاچاق شدید به نصف کاهش یافته بود، شکار فیل ممنوع شد؛ اما از آن پس فشار سهمگینی برای رفع ممنوعیت وجود داشته است. دان استایلز در گزارشی تکان‌دهنده درباره تجارت عاج می‌گوید: فروش مجاز عاج می‌تواند شکار غیرقانونی فیل را رواج دهد... بدتر از همه، این است که شکارچیان غیرقانونی، ترجیح می‌دهند یک‌باره، گله فیل‌ها را باهم شکار کنند تا جمع‌آوری عاج‌های آنها آسان‌تر باشد (روزنامه همشهری، ۱۳۸۲، ص ۵).

البته شکار بی‌رویه جانوران، اختصاص به فیل و تجارت عاج ندارد. نمونه‌های دیگر، پرندگان و جانوران صحرای آفریقا و آسیا هستند که به دلیل تجارت پوست، شاخ یا دیگر اجزای آنان و سودجویی بی‌رویه، در معرض نابودی قرار دارند و این نیز از سوغات تمدن غرب است که به اعتراف کارشناسان محیط زیست، بسیاری از

حیوانات را در حال انقراض قرار داده. در تلاش فعلی برای کسب غذا، این حیوانات هستند که بهای ندانم‌کاری‌های ما انسان‌ها را پرداخته‌اند. ما تا حد انقراض نسل، حیوانات را کشته‌ایم. البته این فقط حرص اشباع‌ناپذیر انسان‌ها نیست که برای کسب سود بیشتر و رسیدن به ثروت قارون در یک شب، او را به جان جانوران بی‌زبان انداخته و دمار از جانوران و پرندگان درآورده و بسیاری از گونه‌های جانوری را در حال انقراض قرار داده؛ بلکه خوش‌گذرانی و بی‌قیدی نیز به سراغ انسان آمده و او را به نابودی حیوانات واداشته است (همان، ص ۳۴ \_ ۳۵).

### راهبرد: حمایت از حقوق جانوران

مستندات: این راهبرد، از دستورهای دینی در زمینه حقوق جانوران در قرآن و سنت استخراج می‌شود.

از ویژگی‌های مهم مکتب اسلام و سیره معصومان<sup>ع</sup>، نگاه ویژه و همه‌جانبه آنان به جانوران است. در موقعیت و جغرافیایی که انسان حرمت نداشت و دختران زنده‌به‌گور می‌شدند و انسان بر اساس پیوند قبیله‌ای، خونی، منطقه‌ای و زبانی، ارزش‌گذاری و طبقه‌بندی می‌شد، ائمه اطهار<sup>ع</sup> به اهمیت جانوران در نظام هستی توجه نشان دادند و ضرورت وجود انواع گوناگون آن را گوشزد کردند و حقوق آنها، حفظ و نگهداری آنها و عدم شکار بی‌رویه و منع هرنوع ستم روایی به آنها را در گفتار و کردار به‌صورت یک سنت و سیره درآوردند و مسلمانان را به رعایت قوانین و مقررات زیست‌محیطی و اخلاقی در مورد آنها ملزم می‌کردند. آنان به جهان هستی، به‌عنوان یک کل و واحد به‌هم‌پیوسته که نظام احسن را تشکیل می‌دهد و شاهد گویا و مصداق روشن، جهت نمایاندن صفت {أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ} (مؤمنون، آیه ۱۴) برای ذات باری تعالی است، می‌نگریستند. از این نظر، هیچ موجودی در این جهان به‌طور کامل شرّ و سزاوار نابودی کامل نیست؛ بلکه در سایه شریعت اسلامی،

باید هوشمندانه و با حفظ مصالح عالیه جهان و بشریت، با جهان و موجودات آن، از جمله جانوران نگرست و رفتار کرد (ناصری داوودی، ۱۳۹۱، ص ۱۳۲).

خداوند، کائنات، زمین، آسمان و هر آنچه را در آن هست، بر مبنای نظم و انضباط آفریده است. در کره زمین، هیچ آفریده‌ای بیش از انسان، این نظم را به هم نمی‌زند و هیچ آفریده‌ای به اندازه انسان، خسران‌آفرین و زیان‌کار نیست.

از نظر تمام ادیان توحیدی، مقام آدمی بسیار برتر از حیوان است؛ اما چنین استنباطی نمی‌شود که برتری انسان، او را مجاز دارد تا با حیوانات بدرفتاری، یا آنها را نابود کند؛ بلکه درست عکس این قضیه است؛ یعنی از آنجاکه انسان از مقامی بسیار فراتر از حیوانات برخوردار است، قادر و موظف است که با آنها شرافتمندانه رفتار کند.

در قرآن کریم، سرگذشت حضرت نوح × که از پیامبران خدا بوده، بیان شده است. به‌راستی، چرا این سرگذشت بیان گردیده است؟ بدون تردید، در بیان این سرگذشت عبرت‌انگیز، نکات تربیتی مهمی نهفته است که حکمت ذکر این سرگذشت در قرآن کریم را روشن می‌کند. در اینجا صرفاً به یک بُعد آن که با وظیفه انسان و حکومت اسلامی در زمینه حفاظت از نسل موجودات ارتباط دارد، اشاره می‌کنیم. قرآن کریم در زمینه مأموریت الهی نوح × برای ساختن کشتی قبل از فرارسیدن توفان عظیم می‌فرماید: «{وَاصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحْيِنَا وَلَا تُخَاطِبْنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُعْرِضُونَ}»؛ «و کشتی را زیر نظر ما و به دستور ما بساز و درباره ستمکاران که البته باید غرق شوند، دیگر سخن مگوی» (هود، آیه ۳۷).

در آیه ۲۷ سوره مؤمنون نیز می‌خوانیم:

{فَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ أَنْ اصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحْيِنَا فَإِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ فَاسْنُكْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ}.

ما به نوح وحی فرستادیم که کشتی را زیر نظر ما و طبق فرمان ما بساز و هنگامی که فرمان ما فرارسید و آب از تنور بجوشد (که این نشانه فرارسیدن توفان است)، از هر یک از انواع حیوانات یک جفت در کشتی سوار کن.

همچنین در آیه ۴۰ سوره هود می‌خوانیم:

{ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ قُلْنَا احْمِلْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَن سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ وَمَنْ آمَنَ }.

چون فرمان ما فراز آمد و تنور جوشید، گفتیم: از هر نر و ماده دو تا و نیز خاندان خود را در کشتی بنشان؛ مگر آن‌کس را که حکم درباره‌اش از پیش صادر شده باشد، و نیز آنهایی را که به تو ایمان آورده‌اند.

در آیه ۱۲ سوره قمر نیز می‌خوانیم:

{ فَفَتَحْنَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُّهِمٍ \* وَفَجَّرْنَا الْأَرْضَ عُيُونًا فَالْتَقَى الْمَاءُ عَلَىٰ أَمْرٍ قَدْ قُدِرَ }.

در این هنگام، درهای آسمان را گشودیم و آبی فراوان و پی‌درپی فروبارید و زمین را شکافتیم و چشمه‌های زیادی بیرون فرستادیم و این دو آب به‌اندازه‌ای که مقدر بود، باهم درآمیختند.

بدون شک، در مسئله حمل حیوانات در کشتی نوح<sup>\*</sup>، نکته تربیتی مهمی نهفته است؛ زیرا در کنار مسئله نجات مؤمنان راستین، حفظ حیات حیوانات نیز مطرح شده. تعمیق بیشتر در زمینه ذکر این مسئله در قرآن کریم و توجه به مباحث گذشته و بحث برهان تعادل اکولوژیک، وظیفه حکومت اسلامی را در حفظ تنوع زیستی آشکار می‌سازد.

قرآن کریم در آیه ۱۵ سوره قمر می‌فرماید: { وَلَقَدْ تَرَكْنَاهَا آيَةً فَهَلْ مِنْ مُّذَكِّرٍ }؛ «ما این داستان را به‌عنوان درس عبرت و نشانه‌ای (در میان امت‌ها) باقی گذاردیم. آیا کسی هست که پند گیرد و متذکر شود؟»

در همین زمینه، آیه ۲۰۵ سوره مبارکه بقره نیز قابل توجه است. در این آیه، کسانی که می‌کوشند در افساد زمین و اقداماتشان موجب انقطاع نسل جانوران مفید می‌شود، مذمت شده‌اند:

{ وَإِذَا تَوَلَّىٰ سَعَىٰ فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ }.

و چون برگردد [یا ریاستی یابد]، کوشش می‌کند که در زمین فساد نماید و کشت و نسل را نابود سازد، و خداوند تباه‌کاری را دوست ندارد.

نکته جالب توجه دیگر این‌که در قرآن کریم، از جنبنندگان مختلف زمینی به‌عنوان امت‌هایی همانند انسان‌ها یاد شده است. در این زمینه قرآن کریم می‌فرماید:

{وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَلُكُمْ مَا فَرَقْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ}.

و هر جنبنده‌ای در زمین و هر پرنده‌ای که با دو بال در هوا پرواز می‌کند، همگی امت‌هایی مانند شما نوع بشر هستند. ما در کتاب (تکوین و تشریح) از بیان هیچ‌چیز کوتاهی نکردیم (انعام، آیه ۳۸).

در اسلام از آنجاکه همه پدیده‌ها بر اساس خدامحوری تفسیر و تبیین می‌شوند، به حیوانات نیز به‌عنوان آیات و مخلوقات خدا نگریسته می‌شود و طبیعتاً مخلوق خدا احترام خاص خویش را خواهد داشت. بنابراین، هیچ‌کس مجاز نخواهد بود که حیوانات را فدای امیال نفسانی خویش سازد. به‌هرحال، تمام این حیوانات مخلوق خدا هستند و نشانه‌های خدا شناخته می‌شوند و بر اساس این جهان‌بینی است که اسلام، حقوقی برای حیوانات قائل گردیده و مردم، موظف به رعایت آن شده‌اند.

قرآن کریم می‌فرماید: «قُلِ اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ»؛ «خدا آفریننده هر چیزی است، و اوست یگانه قهار» (رعد، آیه ۱۶) و در آیه ۷ سوره سجده می‌فرماید: {الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ}؛ «آن خدایی که هر چیزی را به نیکوترین وجه خلق کرد».

آیات فوق، بیان‌گر آن است که هر چیزی مخلوق خداست و هر چیزی که مخلوق خداست، متصف به حسن است و «خلقت و حسن»، دو امر متلازم در وجودند و خوبی و حسن در تمام مخلوقات وجود دارد. براین‌اساس، خلقت خداوندی را هدف و برنامه‌ای خاص است که پی بردن به راز آن، نیازمند شناخت راستین خلقت و خواص موجودات است. ناآگاهی از خواص موجودات و راز هستی

و روابط پیچیده‌اش که در طبیعت میان موجودات وجود دارد، به هیچ‌وجه دلیل بر بی‌هدف بودن خلقت نبوده، بلکه بیان‌گر ناکافی بودن دانش و آگاهی ما از این روابط است.

علاوه بر مسائل بهداشتی و زیست‌محیطی که برای انسان و محیط او ضرورت دارد و در گفتار و کردار معصومان<sup>^</sup> از ارزش فراوان بهره‌مند است، حفظ جانوران و رفتار هوشمندانه با انواع آن نیز مورد اهتمام ایشان بوده؛ چنان‌که مسلمانان را نیز به این رویه حسنه فرامی‌خواندند.

خلاف باور عمومی، که جانوران را چون ابزاری در خدمت انسان و وابسته به خواست و حتی سلیقه او و عاری از هرگونه حق می‌دانند، معصومان<sup>^</sup> همه جانوران را دارای حقوق شمرده و انسان را مکلف و مسئول دانسته‌اند تا در برابر بهره‌وری و منفعت‌جویی از آنها حقوقشان را در نظر گیرند و به ادای آن اقدام کنند.

از نگاه اسلام، آن‌طور که از قرآن کریم و سنت استفاده می‌شود، انسان محور آفرینش است؛ زیرا او جانشین خدا در زمین است و خداوند، آسمان‌ها و زمین و جمادات را به خدمت او درآورده:

{ اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَنْعَامَ لِتَرْكَبُوا مِنْهَا وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ \* وَلَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَلِتَبْتَغُوا عَلَيْهَا حَاجَةً فِي صُدُورِكُمْ وَعَلَيْهَا وَعَلَى الْفُلْكِ تُحْمَلُونَ }.

خدا همان کسی است که چهارپایان را برای شما پدید آورد تا از برخی از آنها سواری گیرید و از برخی از آنها بخورید. در آنها برای شما سودهاست تا با آنها به مقصودی که در دل‌هایتان است، برسید و بر آنها و بر کشتی حمل می‌شوید (خافر، آیه ۷۹ و ۸۰).

در آیات دیگر می‌فرماید:

{ أُولَئِكَ يَرْوُوا أَنَّا خَلَقْنَا لَهُمْ مِمَّا عَمِلَتْ أَيْدِينَا أَنْعَامًا فَهُمْ لَهَا مَالِكُونَ \* وَذَلَّلْنَاهَا لَهُمْ فَمِنْهَا رَكُوبُهُمْ وَمِنْهَا يَأْكُلُونَ \* وَلَهُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَمَشَارِبُ أَفَلَا يَشْكُرُونَ }.

آیا ندیده‌اند که ما به قدرت خویش برای ایشان چهارپایانی آفریده‌ایم تا آنان مالک آنها باشند؟ و آنها را برای ایشان رام گردانیدیم، از برخی‌شان سواری می‌گیرند و از بعضی می‌خورند و آنها سودها و نوشیدنی‌ها دارند. پس چرا شکرگزار نیستند؟ (یس، آیه ۷۱ \_ ۷۳).

{وَالْخَيْلَ وَالْبِغَالَ وَالْحَمِيرَ لِتَرْكَبُوهَا وَزِينَةً وَيَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ}؛ و اسبان و استران و خران را (آفرید) تا بر آنها سوار شوید و (برای شما) تجملی (باشد) و آنچه را نمی‌دانید، می‌آفریند (نحل، آیه ۸). درباره عسل که زنبور عسل تولید می‌کند نیز می‌فرماید:

{يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ}.

از درون شکم آن شهدی که به رنگ‌های گوناگون است، بیرون می‌آید. در آن برای مردمان درمانی است. راستی در این زندگی زنبوران برای مردمی که تفکر می‌کنند، نشانه (قدرت الهی) است (نحل، آیه ۶۹).

اما این تسخیر و به خدمت درآوردن، مسئولیت بزرگی به دوش انسان می‌گذارد؛ زیرا تسخیر در خط خلافت حرکت می‌کند و خلافت نیز در خط آبادانی: {هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا}؛ «او شمارا از زمین پدید آورد و شمارا به آبادانی در آن واداشت» (هود، آیه ۶۱). بنابراین، تسخیر و به خدمت درآوردن به این معنا نیست که انسان آزاد است با طبیعت بازی کند و آن را به تباهی کشاند. علی × فرمود: «از خدا درباره بندگان او و سرزمین‌هایش بترسید؛ زیرا شما حتی درباره سرزمین‌ها و جانوران مسئول هستید» (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۷).

استاد علامه جعفری در کتاب شرح نهج البلاغه در بحث «حقوق حیوانات از نظر اسلام»، ۳۲ حق برای حیوانات برشمرده است (جعفری، ۱۹۶۲، ج ۱۲، ص ۱۵۸ به بعد).

ایشان درباره حق زندگی حیوانات و گناه بزرگ محروم نمودن بی‌دلیل حق



## ۹ ترجمه چکیده درس‌ها

حیات از هر موجود زنده‌ای، می‌نویسد: «در دین اسلام، جان هر جاننداری مادامی‌که عامل ضرر بر انسان‌ها نباشد، محترم است و این احترام، منشأ وضع قوانین حقوقی در حیوانات گشته است» (همان، ص ۱۵۹).

فقه اسلامی باینکه با زبان «تکلیف» سخن می‌گوید، از زیبایی‌ها، جلوه‌ها و نکته‌های اخلاقی نیز برخوردار است.

اهمیت حق حیوان در فقه اسلامی، به حدی که شماری از فقیهان، در پاره‌ای موارد، آن را در زمره «حق‌الله» دانسته‌اند. صاحب‌جوهر در بحث ودیعه می‌نویسد:

اگر مالک حیوان، به شخصی که حیوان را به امانت گرفته، بگوید به آن آب‌وعلف نده، پذیرش دستور او روا نیست و بر وی آب‌وعلف دادن حیوان واجب است؛ زیرا باید حق‌الله پاس داشته شود؛ گرچه آدمی حق خود را فروافکنده است. بلکه اگر مالک، از انجام وظیفه سرباز زند و موضوع به حاکم بازگشت داده شود و وی به شخص امانت‌گیرنده دستور دهد: هزینه حیوان را از مال خود بپردازد، او می‌تواند [برای دریافت هزینه] به مالک رجوع کند (نجفی، ۱۹۸۱، ج ۲۷، ص ۱۱۱).

حق‌الله بودن حق حیوان نیز می‌تواند بر این مهم استوار باشد که چهارپایان نزد خداوند، عزیز و گرامی هستند.

حفص بن غیاث از امام صادق × روایت می‌کند:

روزی سلیمان بن داود × برای طلب باران از شهر بیرون رفت. در راه، با مورچه‌ای روبه‌رو شد که دست به آسمان بلند کرده، می‌گفت: «پروردگارا! ما آفریده‌ای از آفریدگان تو و نیازمند روزی تویم. به خاطر گناهان انسان‌ها ما را هلاک مفرما!» سلیمان با شنیدن این نجوا به یارانش گفت: «برگردید که خدا بر شما باران می‌باراند و سیرابتان می‌سازد، به دعای غیر شما» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۴، ص ۹۴).

این حدیث، در پیوند با حیوانی است که در ظاهر سودی به انسان نمی‌رساند. در روایات و سخنان روشن معصومان<sup>ؑ</sup>، چهارپایانی که به گونه کامل در خدمت بشر قرار دارند، با تأکید بیشتری ارج نهاده و گرامی داشته شده‌اند. روایت زیر، نمونه‌هایی از این دست سخنان به شمار می‌رود:

عبدالله بن سنان از امام صادق<sup>ؑ</sup> نقل می‌کند که آن حضرت فرمود:

هرگاه اهل خانه‌ای، گوسفندی در اختیار گیرند، خداوند روزی آن را به ایشان بدهد و در روزی‌شان بیفزاید و فقر و نداری، یک درجه از آنان دور شود و هرگاه دو گوسفند در اختیار گیرند، روزی آنها را به ایشان بدهد و در روزی‌شان بیفزاید و فقر، دو درجه از آنان دور شود و اگر سه گوسفند در اختیار گیرند، روزی آنها را به ایشان بدهد و فقر، به کلی از آنان رخت برنهد (حرعاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱، ص ۵۰۹).

درست بن ابی منصور از امام صادق<sup>ؑ</sup> نقل می‌کند که حضرت فرمود:

رسول خدا<sup>ﷺ</sup> فرمود: «حیوانی که انسان بر او سوار شده است، هرگاه دچار لغزش شود و صاحبش حیوان را بدبخت خطاب کند، در پاسخ گوید: بدبخت از ما کسی است که نسبت به پروردگار، نافرمان‌تر است» (همان، ص ۴۸۷).  
با مراجعه به متون اسلامی، درمی‌یابیم که اسلام برای حیوانات حقوقی را قائل شده و به حفظ و رعایت آنها ترغیب فرموده است.

پیامبر اکرم<sup>ﷺ</sup> می‌فرماید: «بر مالک لازم است که علف و آب چهار پایان را تأمین کند؛ به دلیل حرمت روح که در حیوان هست» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۴، ص ۲۱۷).  
چهارپا روح دارد و روح دارای احترام است. پس معیار، روح و جان حیوان بوده و حفظ آن لازم است. گویاترین و رساترین سند بر اثبات این ادعا روایاتی است که در کتب روایی ما آمده و مورد استناد صاحب‌جوهر نیز قرار گرفته است: «انسان فاجر و فاسدی، به دلیل نجات جان حیوانی نجات یافته و بهشتی گردید» (نجفی، ۱۹۸۱،

ج ۲۱، ص ۳۹۵). در روایت دیگر، شخصی که با گرسنگی دادن حیوانی، موجب مرگ او شود، جهنمی معرفی شده است.

پیامبر ا فرمود:

در شب معراج به آتشی رسیدم که زنی را عذاب می‌دادند. علت عذاب را جویا شدم. به من گفته شد این زن گربه‌ای را حبس نموده و آب و غذا به او نداده و رها نیز نموده تا خود به دنبال آب و غذا باشد؛ در نتیجه آن گربه مُرد و خداوند به این دلیل او را عذاب کرده است. (همان، ج ۳۱، ص ۳۹۵).

امام صادق<sup>×</sup> در حدیثی، یکی از پلیدترین معاصی را کشتن بی‌دلیل حیوانات دانستند (حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۹، ص ۱۰۸).

در روایات اسلامی، که تفصیلاً خواهد آمد، از حقوق جانوران سخن رفته است و سیره معصومان<sup>^</sup> نیز بر اهمیت دادن به آن حقوق و ادای آنها دلالت دارد. این امر می‌تواند به‌عنوان سندی درخشان در مورد سیره و سنت معصومان<sup>^</sup> و در خصوص جانوران و ارج نهادن به محیط زیست به شمار رود و پاسداری از این حقوق را وظیفه همگانی و تکلیف شرعی قرار دهد و در مجموع، روح رحمت و رأفت اسلامی و بخشی از دیدگاه زیست‌محیطی رهبران معصوم را به نمایش بگذارد. بنابراین، راهبرد فقه اسلامی در زمینه حیوانات، حمایت از حقوق حیوانات و دعوت به حمایت از حقوق آنان است. در فقه برای حمایت از این حقوق، راهکارهایی موجود است که در ادامه به آنها می‌پردازیم.

## راهکارهای فقهی رفع معضلات در زمینه حیوانات

### ۱. راهکار مسئله از رهگذر قاعده‌های عمومی

برای حفظ حقوق حیوانات و ثروت حیوانی از نابودی، می‌توان از قاعده‌های عمومی سود جست. در این راستا به دو قاعده اشاره خواهیم کرد.

## الف) حرام بودن افساد در زمین

این قاعده از این آیه شریفه قرآن کریم استفاده می‌شود: {وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ}؛ «و در زمین پس از اصلاح آن فساد نکنید. این (رهنمودها) اگر مؤمنید، برای شما بهتر است» (اعراف، آیه ۸۵).

افساد، عنوانی عام و مفهومی فراگیر است که مفاهیمی چون کفر، معصیت، ظلم، تجاوز به دیگران، ایجاد رعب و وحشت در فرد و جامعه را در برمی‌گیرد. اعمال و رفتارهایی که بدون هیچ دلیل معقولی محیط زیست را تخریب کند نیز از مصادیق این عنوان است؛ مانند آتش زدن جنگل‌ها، از بین بردن زراعت‌ها، مسموم و آلوده ساختن آب‌ها، استفاده از بمب‌های هسته‌ای، که ثروت‌های حیوانی یا گیاهی را نابود می‌کنند، و دیگر رفتارهای متجاوزانه یا بی‌دلیل، همه از مصادیق «افساد»‌اند. در برخی روایات در تفسیر این آیه آمده است: «زمین فاسد بود و خداوند با فرستادن پیامبر خود، آن را اصلاح کرد» (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۸، ص ۵۸). به فرض تمام بودن این روایات، این نوع تفاسیر از قبیل تفسیر به مصداق است؛ بنابراین آیه به همان مورد محدود و منحصر نمی‌شود (طباطبایی، ۱۳۶۴، ج ۸، ص ۱۸۷).

خداوند در آیه دیگر می‌فرماید:

{وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَعْجَبُ قَوْلَهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيُشْهَدُ اللَّهُ عَلَى مَا فِي قَلْبِهِ وَهُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ} \* وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ}.

و از میان مردم، کسی هست که در زندگی این دنیا سخنش تو را به تعجب وامی‌دارد و خدا را بر آنچه را در دل دارد، گواه می‌گیرد و حال آن‌که او سخت‌ترین دشمنان است و چون برگردد (یا ریاستی یابد)، می‌کوشد که در زمین فساد، و کشت و نسل را نابود کند و خدا تباه‌کاری را دوست ندارد (بقره، آیه ۲۰۴ \_ ۲۰۵).

دلالت این آیه بر گستردگی مفهوم افساد، روشن است. شأن نزول آیه نیز آن را تأیید می‌کند؛ زیرا روایت شده است که این آیه درباره اخنس بن شریف ثقفی نازل شد. او شخصی زیبارو و شیرین‌سخن بود و اظهار اسلام کرد و مدعی بود رسول خدا را

دوست دارد و سوگند می‌خورد که صادقانه اسلام آورده و پیامبر را دوست می‌دارد؛ اما درواقع، منافقی بود که ظاهری خوب، اما باطنی پلید داشت. روزی از نزد پیامبر ا خارج شد و بر مزرعه گروهی از طایفه ثقیف گذشت. آن را به آتش کشید و چهارپایان را از بین برد و این آیه نازل شد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۲، ص ۱۶).

پس هلاک کردن حرث و نسل، به معنای از میان بردن هرگونه موجود زنده، اعم از موجودات زنده نباتی، حیوانی و انسانی است.

خلاصه سخن این است که قاعده حرمت افساد در زمین، قاعده‌ای بنیادین در این مبحث است؛ زیرا بر ممنوعیت رفتارهای بیهوده، متجاوزانه یا زیانمند برای انسان یا حیوان یا گیاه دلالت دارد.

### ب) عدم جواز اسراف

در قرآن کریم، واژه‌ای که شدیداً مورد سرزنش قرار گرفته و خداوند آن را از خصلت‌های زشت انسانی برشمرده، «اسراف» است. اسراف یعنی استفاده‌های نابجا و بهره‌کشی‌های ناسالم از امکانات و سرمایه‌ها. هر فرد و جامعه‌ای که با عملکرد خود، روال طبیعی طبیعت را دگرگون سازد و سرمایه‌ها و امکانات را به ابزار آسیب‌رسان تبدیل کند، در فرهنگ اسلامی کفر نعمت کرده است. خداوند می‌فرماید: {الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا وَأَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبُورِ}؛ «آیا ندیدی مردمی که نعمت خدا را به کفران تبدیل کردند و ملت خویش را به هلاکت رساندند» (ابراهیم، آیه ۲۸).

قرآن کریم با ارائه نمونه‌هایی از ملت‌هایی که عملکرد مسرفانه داشته و در نتیجه دچار چنین عواقبی شده‌اند، انسان‌ها را از پیمودن چنین راهی، که چنین سرنوشتی را در پی خواهد داشت، بر حذر می‌دارد. خداوند می‌فرماید:

{ وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ }.

خداوند (برای شما) شهری را مثال می‌زند که در آن، امنیت کامل برقرار

بوده و اهلش در آسایش و امنیت زندگی می‌کردند و از هر جانب روزی فراوان به آنها می‌رسید تا آن‌که اهل آن آبادی، نعمت خدا را کفران کردند. خداوند هم به همین دلیل طعم گرسنگی و بیمناکی را به آنها چشاند (نحل، آیه ۱۱۲).

این از سنت‌های الهی است که هرگاه ملتی به خوش‌گذرانی‌های افراطی عادت کند و منابع و سرمایه‌های جامعه را فدای لذت‌پرستی‌ها و تجمل‌گرایی‌های خود سازد، اقدامات آنان تأثیر ویرانگری بر محیط زیست و منابع آبی و خاکی خواهد داشت و در نتیجه، با انواع بحران‌های اجتماعی، بهداشتی و اخلاقی روبه‌رو می‌گردند، خود را نابود، و محیط زندگی دیگران را تباه می‌کنند. خداوند می‌فرماید:

{ وَإِذَا أَرَدْنَا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنَاَهَا تَدْمِيرًا }.

و ما چون اهل دیاری را بخواهیم به کیفر گناه هلاک سازیم، پیشوایان و متنعمان آن شهر را امر کنیم (به طاعت، لیکن) آنها راه فسق (و تبهکاری و ظلم) در آن دیار پیش گیرند (و مردم هم به راه آنها روند). پس آنجا تنبیه و عقاب لزوم خواهد یافت؛ آنگاه همه را هلاک می‌سازیم (اسراء، آیه ۱۶).

پس اسراف، به معنای مصرف بی‌رویه و غیرمنطقی است و دایره آن بسیار وسعت دارد و شامل هرگونه اقدامی است که از حد اعتدال خارج باشد (آمدی، ۱۴۱۰ق، تحت عنوان لفظ «کل»).

مولا امیر مؤمنان × فرمود: «اسراف‌کننده سه نشانه دارد: چیزهایی را می‌خورد و می‌خرد و می‌پوشد که در شأن او نیست» (حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۷، ص ۶۵).

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: { وَلَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ \* الَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ }؛ «از مسرفان اطاعت نکنید؛ کسانی که در زمین فساد می‌کنند و به اصلاح نمی‌پردازند» (شعراء، آیه ۱۵۱ و ۱۵۲).

همچنین می‌فرماید: { وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ }؛ «بخورید و بیاشامید و اسراف مکنید که خداوند، اسراف‌کاران را دوست ندارد» (اعراف، آیه ۳۱).

از نظر اسلام، انسان اسراف‌کار دنباله‌رو شیطان و پیرو اوست. امام عسکری ×

فرمود: «بر تو باد میانه‌روی و پرهیز از اسراف، که کار شیطانی است» (قمی، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۱۳۳).

ابان بن تغلب از امام صادق × نقل کرده است:

آیا چنان تصور می‌کنی که خداوند کسی را که مال داده، محترم می‌دانسته و کسی را که محروم داشته، خوار شمرده است؟ هرگز! بلکه مال، مال خداست و آن را نزد اشخاص به امانت می‌گذارد و برایشان روا می‌دارد که از آن با میانه‌روی بخورند، با میانه‌روی بنوشند، با میانه‌روی بپوشند، با میانه‌روی زناشویی کنند و با میانه‌روی از مرکب استفاده کنند و هر چه جز آن (مصرف بر اساس میانه‌روی) باشد، به فقرای مؤمنان بدهند و به نابسامانی زندگی ایشان سامان بخشند. پس هر کس چنین کند، آنچه می‌خورد، حلال و آنچه می‌نوشند، حلال و سواری و مرکب او حلال و زناشویی او حلال است، و هر کس چنین نکند، بر او حرام خواهد بود (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۵، ص ۳۰۵).

بنابراین، اسلام مصرف را محدود ساخته و استفاده بهینه از نعمت‌های الهی را توصیه کرده است. این که خداوند می‌فرماید «لا تسرفوا»، حد و میزان خوردن و آشامیدن را تعیین می‌کند؛ یعنی همان حد مقتصدانه و متعادل در زندگی فرد که مراعات آن، موجب می‌شود تا در زندگی اجتماع نیز موازنه (همخوانی و هماهنگی) به وجود آید. امام صادق × می‌فرماید: «و جَوَزَ لَهُمْ أَنْ يَأْكُلُوا قَمَداً، وَ يَشْرَبُوا قَمَداً، وَ يَلْبَسُوا قَمَداً... وَ مَنْ عَدَا ذَلِكَ كَانَ عَلَيْهِ حَرَاماً» (قمی، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۱۳۲). منظور این است که تصرف انسان در مال خویش و به مصرف رساندن آن، اگر بیش از حد اعتدال و میانه‌روی و صرفه‌جویی باشد، ممنوع است و همین امر، دلیل بر آن است که مصرف بیش از اعتدال، تصرف در حق دیگران است (اگرچه مال خودش باشد) و از این رو، حدیث آن را حرام دانسته است. مفهوم این سخن، آن است که مصرف اسراف‌کارانه در اموال عمومی، که فرد مالکیت شخصی بر آن ندارد، حرمت شدیدتر و مسئولیت سنگین‌تری دارد؛ به‌ویژه در مشترکات و در محیط

زیست، که از مشترکات است، فقط در حد اعتدال حق تصرف دارد، نه بیشتر. امام صادق × فرمود:

اگر جهان آفرینش را با اندیشه و خرد درست ارزیابی کنی، آن را مانند ساختمانی می‌یابی که همه آنچه آفریده‌ها به آن نیازمندند، در آن پیش‌بینی شده... و همه‌چیز برای انسان آماده گردیده... تنوع گیاهان و حیوانات برای برآوردن منافع و مصالح او تهیه شده است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳، ص ۶۱).

## ۲. راهکار مسئله از رهگذر تعالیم ویژه

### الف) حق زندگی

حق زندگی، منحصر به انسان‌ها نیست؛ بلکه همه جانوران و موجودات زنده، حق زندگی دارند. خداوند متعال این اختیار را به انسان نداده است که این حقوق را از حیوانات سلب کند؛ طوری که آن را به کلی نیست و نابود گرداند؛ بلکه در همین حد به او اجازه داده است که با ذبح و صید حیوانات و استفاده از گوشت و مو و پشم و پوست و امثال آن، از این حیوانات بهره‌مند گردد؛ آن قدر که به حد اسراف یا بیهوده‌کاری و تخریب و تباهی نرسد؛ یعنی این که تسلط انسان بر حیوان، مقید و محدود است و نه مطلق.

انسان از کشتن برخی حیوانات و حشرات، نهی شده است. برای نمونه، در خبر داود رقی آمده است که گفت:

نزد امام صادق × نشسته بودیم که مردی بر ما گذشت و پرستوی ذبح‌شده‌ای را در دست داشت. حضرت به طرف او پرید و او را از دستش گرفت و دور انداخت. آنگاه فرمود: آیا عالمتان به شما گفته است این کار را بکنید یا فقیهتان؟! پدرم از قول جدم به من فرمود که رسول خدا | از کشتن شش چیز نهی کرد: زنبور عسل، مورچه، قورباغه، گنجشک، شانه‌به‌سر و پرستو (حرعاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۲۴، ص ۱۴۸). در قرب الاسناد، به سندش از علی بن جعفر از برادرش موسی بن جعفر آورده است



که گفت:

از آن حضرت درباره کشتن مورچه پرسیدم؟ فرمود: آن را نکش؛ مگر این‌که آزارت دهد. درباره کشتن شانه‌به‌سر پرسیدم؟ فرمود: آن را نه بکش و نه اذیتش کن و نه ذبح نما. او پرنده خوبی است (همان، ص ۱۴۹).

از امام صادق × روایت شده است که فرمود: «کثیف‌ترین گناهان، سه گناه است: کشتن چهارپایان، نگه‌داشتن مهریه زن و ندادن دستمزد کارگر» (همان، ج ۱۱، ص ۵۴۴).

در خبر حفص بن بختری از امام صادق × آمده است: «زنی به دلیل آن‌که گربه‌ای را بست تا از تشنگی مُرد، عذاب شد» (همان). حر عاملی \_ آن‌طور که از عنوان باب پیداست \_ به مضمون این خبر، ملتزم شده است.

شیخ طوسی در *الخلاف* روایت کرده که پیامبر ا از کشتن حیوان برای غیر خوردن آن، نهی کرده است (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۱۹).

نهی از کشتن حیوانات، طبیعتاً شامل حال جانوران مودی نمی‌شود؛ مانند افعی و عقرب و وحوش درنده که اگر شخص آن را نکشد، زندگی‌اش به خطر می‌افتد. اجازه کشتن این‌گونه حیوانات، حتی برای مُحرِم و نمازگزار، از سوی پیامبر ا و اهل بیت ایشان<sup>۸</sup> وارد شده است (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۴، ص ۳۶۳).

در اینجا لازم است اشاره کنیم که ظاهر برخی متون پیش‌گفته، دلالت بر حرمت کشتن برخی حیوانات دارد؛ مانند چهارپایان که حدیث، کشتن آنها را از کثیف‌ترین گناهان به شمار آورده است. همچنین روایتی که در ماجرای اذیت و قتل گربه نقل شد.

### ب) تأمین خوراک

از نیازهای اولیه هر جاندار، آب و غذاست؛ زیرا حیات جانداران، به آن وابسته است. امام صادق × در حدیثی تأمین آب و غذا را از حقوق حیوان برشمردند (حر

عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۱، ص ۴۸۰). صاحب جواهر می‌گوید: «لزوم تأمین وسایل زندگی برای هر جاننداری، مورد اتفاق فقهاست» (نجفی، ۱۹۸۱، ج ۳۱، ص ۳۹۴). امام علی  $\times$  نقل می‌کند که پیامبر ا نیز در حال وضو گرفتن بود که گربه‌ای نزدیک شد و حضرت فهمید که حیوان، تشنه است. ظرف آب را به حیوان نزدیک کرد تا حیوان از آب نوشید. سپس حضرت اقدام به وضو گرفتن کرد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۸۰، ص ۵۹). به عقیده صاحب جواهر، معیار، نجات جان حیوان است و فرقی میان حیوانات و نوع آنها نیست؛ یعنی حتی اگر حیوان قابل بهره‌برداری همه نباشد، باز نجات جان او لازم است (نجفی، ۱۹۸۱، ج ۳۱، ص ۳۹۴).

پیامبر اکرم  $\mid$  می‌فرماید:

در شب معراج بر بهشت اشراف پیدا کردم. دیدم زن زناکاری در بهشت جای گرفته است. در مورد او پرسیدم؟ به من گفته شد این زن به سگ تشنه‌ای، که از تشنگی در حال هلاک شدن بود، عبور کرد. لباس خود را در چاه فرو کرد، سپس با فشردن لباس، آب در دهان سگ ریخت تا سیراب شد، و به همین دلیل، خداوند گناهان او را بخشید (همان، ج ۲۱، ص ۳۹۵).

به‌رغم این‌که سگ حیوان نجس‌العین بوده و از انواع سگ‌های مفید مثل سگ زراعت، گله و شکاری نیز نبوده، درعین حال نجات جان او یک انسان جهنمی را بهشتی کرده است.

منظور از وسایل زندگی که مالک هر حیوانی موظف به تأمین آن است، خوراک، پوشاک، آشامیدنی، مسکن، دارو و بهداشت متناسب با زمان و مکان است (همان).

### ج) باقی گذاشتن شیر در پستان برای تغذیه فرزند

اگر جاندار، بچه شیرخوار داشته باشد، باید به‌اندازه کفایت تغذیه بچه، شیر در پستان مادر نگهداری شود و اگر شیر مادر به‌اندازه احتیاج تغذیه بچه‌اش باشد، دوشیدن شیر مادر، حرام است. برخی فقهای اهل سنت گفته‌اند آنچه واجب است، نگهداری

شیر به اندازه رمق بچه است. یعنی فقط زنده ماندن بچه حیوان، کافی است. صاحب جواهر می‌گوید: «ضعف این فتوا روشن است». منظور صاحب جواهر این است: «باید به اندازه‌ای شیر در پستان باقی بماند که فرزند، سیر شود؛ نه به مقدار زنده ماندن بچه» (همان، ص ۳۹۶).

#### د) مدارا و ترحم درباره حیوانات

حیوان اگر از زمین و بیابان خشک و بی‌آب و علف عبور داده می‌شود، سعی شود هر چه زودتر از آن محل عبور کند (البته از حیوان به اندازه توانش کار بکشد) و اگر از زمین آباد و علفزار دارای آب عبور می‌کند، مدارا کرده، تا آنها از آن مراتع استفاده کنند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۴، ص ۲۱۳).

ترحم به حیوانات، موجب رحمت الهی است. صاحب جواهر در احکام ذبح می‌نویسد: «ناپسند است که انسان، حیوانی را که خود پروریده، سر ببرد» (نجفی، ۱۹۸۱، ج ۳۶، ص ۱۳۸). مدرک وی در این حکم، دو روایت زیر است:

محمد بن فضیل می‌گوید:

به امام رضا × عرض کردم: من برای قربانی روز عید اضحی، بره‌ای را پرورش دادم. چون او را گرفتم و خوابانیدم، نگاهی به من کرد، دلم برایش سوخت و با آن مدارا کردم، سپس سرش را بریدم. حضرت فرمود: دوست نداشتیم چنین می‌کردی. این گونه نباشد که حیوانی را پرورش دهی، سپس سرش را ببری (حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۴، ص ۲۰۸).

ابی صحاری می‌گوید:

به امام صادق × عرض کردم: شخصی به یکی دو گوسفند علف می‌دهد تا برای قربانی از آنها استفاده کند. حضرت فرمود: این کار را دوست ندارم. عرض کردم: شخص، شتر یا گوسفندی می‌خرد و برای او از اینجا و آنجا علف می‌چیند تا این که روز قربانی فرامی‌رسد و درحالی که چاق شده، آن را سر

می‌برد. حضرت فرمود: نه [این کار را نکنند]؛ ولی هرگاه وقت انجام چنین کاری رسید، داخل بازار مسلمانان شود و حیوانی بخرد و سر ببرد (همان، ج ۲۴، ص ۹۲).

### ه) احساس مسئولیت

انسان در برابر چهارپایان، مسئول است. امام علی × می‌فرماید: «شما حتی درباره سرزمین‌ها و جانوران مسئول هستید» (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۷). به همین دلیل، از نظر اسلام، این احساس مسئولیت که به همراه عمل باشد، صدقه تلقی می‌شود و ثواب اخروی دارد. پیامبر اکرم ا فرمود: «کسی که زراعتی کند و پرنده‌ای از آن بخورد، خداوند برای آن زارع صدقه محسوب می‌کند» (پاینده، بی تا، شماره ۲۹۹۷).

در اهمیت حفظ و نگهداری موجودات زنده، شهید ثانی در مسالک می‌فرماید: از مواردی که غصب مال دیگران جایز است، جایی است که جان حیوانی به دلیل گرسنگی در خطر نابودی قرار گرفته و تنها راه نجات، غصب مال دیگران باشد. گفته‌اند در این مورد، غصب جایز است (عاملی، ۱۳۸۳، ج ۸، ص ۵۰۳).

### و) ممنوعیت آزار حیوانات

از امام صادق × نقل شده است که فرمود:

پیرمرد عابدی از بنی اسرائیل در حال عبادت بود که مشاهده کرد دو پسر بیچاره، خروسی را به چنگ آورده، پرهایش را می‌کنند و موجبات آزار و اذیت او را فراهم کرده‌اند. پیرمرد عابد، بی‌اعتنا به آن، همچنان پیاپی عبادت می‌کرد و آن دو را از این کار نهی نکرد و به فریاد آن حیوان نرسید. خداوند به زمین دستور داد که آن پیرمرد عابد را ببلعد و زمین هم او را بلعید و برای همیشه در جهنم سقوط کرد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۴، ص ۲۲۳).

از امام موسی بن جعفر<sup>۱</sup> نقل شده است که پیامبر اکرم ا عبورش به جمعیتی افتاد که مرغ زنده‌ای را هدف قرار داده و با تیر آن را نشانه گرفته‌اند. حضرت فرمود: «اینها

چه کسانی اند؟ خدا لعنتشان کند» (قمی، ۱۴۱۴ق، ج ۷، ص ۶۰۰). زدن حیوان، به دلیل رم کردن، به اندازه نیاز و ضرورت بلامانع است. اما زدن به دلیل لغزیدن حیوان، ممنوع است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۴، ص ۲۱۹)؛ همان‌گونه که به صورت حیوان زدن روا نیست. امام علی × فرمود: «به صورت چهارپایان و هر چیزی که روح دارد، نزنید که او تسبیح‌گوی خداست» (همان، ص ۲۰۴).

پدیده گاوبازی که امروزه در دنیا رایج است، در ضمن همین حکم جای می‌گیرد؛ یعنی شکنجه دادن حیوان از نظر اسلام، ممنوع و حرام قطعی است. اجبار حیوان به حرکت سریع‌تر از متعارف، مصداقی دیگر از مصادیق آزار حیوان است و اسلام آن را روا ندانسته. (همان، ص ۲۱۰).

پشت حیوان، نباید استراحتگاه انسان و محل جلوس و صحبت او قرار گیرد (حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۸، ص ۳۵۱). پیامبر اکرم ا می‌فرماید: «پشت چهارپایان را کرسی قرار ندهید» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۴، ص ۲۱۰). در بیان دیگر می‌فرماید: «پشت چهارپایان را منبر قرار ندهید» (همان، ص ۲۱۹).

روایاتی که از طریق شیعه و سنی درباره حقوق حیوانات و چگونگی رفتار با آنها رسیده، بسیار زیاد است و ما به همین اندازه بسنده می‌کنیم؛ زیرا دیدگاه اسلام در این زمینه را به قدر کافی روشن می‌سازد.

### ز) ممنوعیت به جنگ انداختن حیوانات

برخی برای تفریح یا بردو باخت، خروس‌ها، گاوها و دیگر حیوانات را به منظور جنگیدن باهم تربیت می‌کنند که این عمل، مورد نهی رسول خدا ا قرار گرفته است (همان، ص ۲۲۷).

امام صادق × از پدر بزرگوارش امام باقر × نقل کرده است که حضرت فرمود: «امام باقر × کراهت داشت از اخته کردن حیوانات و به جنگ انداختن آنها» (همان).

## ح) ممنوعیت مثله کردن و سوزاندن حیوانات

پیشوایان دینی ما کسانی را که اقدام به مثله کردن و قطعه‌قطعه کردن حیوانات می‌کنند، لعنت کرده‌اند (همان، ج ۶۱، ص ۲۸۲). امام علی × می‌فرماید که پیامبر اکرم ا فرمود: «از مثله کردن موجودات زنده بپرهیزید؛ اگرچه آن موجود، سگ هار باشد» (نهج‌البلاغه، نامه ۴۷)؛ همان‌گونه از سوزاندن و به آتش کشیدن حیوانات نهی کرده و اقدام کنندگان به چنین کارهایی را مورد لعن قرار داده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳۰، ص ۵۱۵).

از ابن‌مسعود روایت شده است که گفت:

در سفری با رسول خدا ا بودیم. آن حضرت برای قضای حاجت رفت. ما ژورکی را دیدیم که یک جفت جوجه داشت. جوجه‌هایش را برداشتیم. ژورک آمد و شروع به بال‌بال زدن کرد. پیامبر ا برگشت و فرمود: «چه کسی این حیوان را داغ‌دار بچه‌هایش کرده است؟! بچه‌هایش را به او برگردانید». پیامبر خدا ا لانه مورچه‌ای را دید که آتش زده بودیم. فرمود: «چه کسی این را آتش زده است؟! عرض کردیم: ما. فرمود: «جز خداوندگار آتش، کسی حق ندارد کسی را با آتش عذاب کند» (شعرانی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۳۹۵).

## ط) حفظ بهایم از نابودی

اسلام با آگاهی از خطرهای انقراض گونه‌های حیوانی و آثار منفی آن بر انسان و حیوان و به طور کلی بر تعادل زیست‌محیطی، به حمایت و حفاظت از ثروت حیوانی اهتمام ورزیده و در این راستا تدابیری را اندیشیده است.

منابع حدیثی می‌گویند که در جنگ خیبر، پیامبر ا برای جلوگیری از نابودی چهارپایان تدبیری اتخاذ کرد. روایات اهل بیت ^ روشن می‌سازند که آن نهی پیامبر ا، موقتی بوده و حکمتی داشته است و حکمتش این بوده که این چهارپایان در آن روزها بارکش مردم بودند و پیامبر ا ترسید که نسل این حیوان در مدینه از بین رود؛ با آن‌که

مردم به سوارشدن آن نیاز داشتند. اینک برخی روایات در این باره:

\_ در حدیثی از محمد بن مسلم از امام باقر × آمده است که آن حضرت فرمود:  
رسول خدا | از خوردن گوشت الاغ نهی کرد و این نهی، به دلیل سواری از آن  
بوده است؛ زیرا ترسید نسل آن را از بین ببرند. [گوشت] الاغ، حرام نیست.  
حضرت سپس این آیه را خواند: {قُلْ لَا أُجِدُّ فِي مَا أُوحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلَى طَاعِمٍ  
يَطْعُمُهُ}؛ «بگو: در آنچه بر من وحی شده است، هیچ غذای حرامی نمی‌یابم؛ به  
جز این که مردار باش...» (انعام، آیه ۱۴۵) (حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۲۴، ص ۱۱۹).

\_ در حدیثی از محمد بن مسلم و زراره از امام باقر × آمده است:

آن دو از ایشان درباره خوردن گوشت الاغ اهلی پرسیدند. حضرت فرمود:  
رسول خدا | در جنگ خیبر از خوردن آن نهی فرمود و این نهی در آن زمان،  
از آن رو بود که این حیوان، وسیله سواری و بارکشی مردم بود. حرام، همان  
چیزهایی است که خداوند در قرآن حرام فرموده است (همان، ص ۱۱۷).

\_ در روایت ابو جارود از امام باقر × آمده است:

از آن حضرت شنیدم که می‌فرمود: در جنگ خیبر، مسلمانان در تأمین آذوقه به  
تنگنا افتادند و به کشتن چهارپایان خود روی آوردند. رسول خدا | دستور داد  
دیگ‌ها را چپه کنند؛ اما نگفت آنها حرام‌اند. علت این دستور هم جلوگیری از  
نابودی چهارپایان بود (همان، ص ۱۱۸).

\_ در خبر محمد بن سنان آمده است:

حضرت رضا × در پاسخ به پرسش‌های او نوشت: «خوردن گوشت قاطر و الاغ  
اهلی، به این دلیل مکروه شده است که مردم به آنها برای بارکشی و کار نیاز  
دارند و برای این که از نابودی و کشتارشان جلوگیری شود، نه این که خودشان و  
غذایشان پلید و نجس باشد (همان، ص ۱۲۰).

روایات دیگری از این دست وجود دارد (همان).

فقها این نهی پیامبر | در روز خیبر را نهی کراهی دانسته‌اند (عاملی، ۱۳۸۳، ج ۱۲،

ص ۲۳)؛ اما یکی از محققان در این مورد می‌گوید که درست آن است که این نهی را بر همان ظاهرش یعنی حرمت باقی بگذاریم. بله، این نهی یک نهی تدبیری حکومتی، به منظور ابقای این حیوانات است؛ زیرا مردم، به‌ویژه در زمان جنگ به آنها نیاز داشتند؛ وگرنه چگونه می‌توانیم دستور واژگون کردن دیگ‌ها را تفسیر و توجیه کنیم؛ زیرا کراهت، اقتضای چنین اقدامی را ندارد. اما این که امام علی × فرمود: «آنها را حرام نکرد»، مقصود تحریم مولوی است تا مشمول قاعده «حلال محمد تا روز قیامت حلال است و حرامش تا روز قیامت حرام» بشود. بنابراین، هر نهی‌ای که از آن حضرت رسیده، از نظر فقها یا نهی تحریمی است یا کراهی (تنزیهی)؛ در صورتی که ممکن است نه این باشد و نه آن؛ بلکه به‌عنوان رئیس دولت از آن حضرت صادر شده باشد. در این مورد، چون فقها دریافتند که نمی‌توان نهی آن حضرت را بر حرمت حمل کرد \_ زیرا روایات فراوانی از ائمه<sup>ه</sup> ما درباره؛ حلال بودن گوشت این چهارپایان آمده است \_ ، حمل بر کراهت کرده‌اند تا میان احادیث جمع و سازش کرده باشند؛ در صورتی که می‌توان این نهی را در آن بر الزام باقی گذاشت؛ اما گفت: این الزام، الزامی حکومتی است نه مولوی (خشن، ۱۳۹۷، ص ۳۲۰).

قوانین اسلامی، حیواناتی را که خوردن گوشتشان مجاز است، معین و مشخص کرده. این تعیین را می‌توان به‌عنوان اقدامی با هدف نهایی حفظ ثروت حیوانی از کاهش و انقراض، قرائت کرد (حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۲۴، ص ۱۱۳). تحریم خوردن برخی گونه‌های حیوانات، قطعاً از گرایش مسلمان به شکار و کشتن حیوانات می‌کاهد و این، خود مانع انقراضشان می‌شود و در حفظ توازن و تعادل زیست‌محیطی نقش دارد.

### ی) ممنوعیت شکار لگو و تفریحی

شکار حیوانات، برای تفریح و بدون احتیاج و نیاز و صرفاً برای خوش‌گذرانی، جایز



نیست و در اسلام، به چنین عملی «اتراف» گویند و اتراف یعنی زندگی بر مبنای اصل التذاذ و خوش‌گذرانی، و غفلت از هدف‌داری دستگاه آفرینش و جایگاه انسان در جهان. قرآن کریم «مترفین» را در زمره کافران دانسته، می‌فرماید: «وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ»؛ «و [ما] در هیچ شهری هشداردهنده‌ای نفرستادیم، جز آن‌که خوش‌گذرانان (مترفین) آنها گفتند: «ما به آنچه شما به آن فرستاده شده‌اید، کافریم» (سبأ، آیه ۳۴) (ر. ک: ولایی، ۱۳۸۸، ص ۱۶۴). پیامبر اکرم | فرمود: «هر که گنجشکی را بیهوده بکشد، آن گنجشک در قیامت نزد عرش الهی حضور یافته، فریاد زند و گوید: پروردگارا از این پیرس برای چه مرا بی‌فایده کشت» (پاینده، بی‌تا، شماره ۲۷۶۳).

همان حضرت در بیان دیگر فرمود: «هر حیوان پرنده یا غیر آن، به‌ناحق کشته شود، روز قیامت با قاتل خویش مخاصمه کند» (همان، شماره ۲۶۷۰). پیامبر اکرم | فرمود: «هر که گنجشکی را به‌ناحق بکشد، خدا در روز قیامت از وی بازخواست کند» (همان، شماره ۲۹۱۸).

بعید نیست بتوان گفت که این امر، اختصاص به گنجشک ندارد؛ زیرا هر حیوانی که بدون نیاز به گوشت یا پشم یا پوست یا هر چیز قابل بهره‌برداری آن کشته شود، کشتن او بیهوده و فساد است و از آن نهی شده.

مشهور فقها معتقد به حرام بودن صید لهُو هستند. این حکم \_ اگر دلیلش تمام باشد \_، نه فقط در حفظ ثروت حیوانی از انقراض، بلکه در ایجاد تعادل زیست‌محیطی نیز می‌تواند سهم بسیار داشته باشد. مقصود از «صید لهُو» چیست و دلیل بر حرمت آن کدام است؟ فقها گفته‌اند که صید یا شکار کردن بر سه گونه است:

۱. صید کردن برای تأمین خوراک خود و خانواده و میهمانان؛

۲. صید کردن برای تجارت، یعنی فروختن صید و استفاده از پول آن؛  
 ۳. صید کردن برای سرگرمی و تفریح و نه به قصد تأمین غذای خانواده یا خود و نه برای استفاده از پول فروش آن.  
 در مباح و مجاز بودن دو گونه اول شکار، اشکالی نیست؛ بلکه اشکال در گونه سوم آن است. طبق قول مشهور، این نوع شکار، حرام است و سفر کردن برای این منظور، سفر معصیت است و نماز در آن باید کامل خوانده شود.  
 اکنون به روایات می‌پردازیم تا ببینیم که تا چه اندازه بر حرمت صید لهُو دلالت دارند:

\_ در روایت ابن‌بکیر آمده است:

از امام صادق × شنیدم در پاسخ به این سؤال که: انسان به مسافت یک یا دو یا سه روز به شکار می‌رود. آیا نمازش را قصر بخواند؟ فرمود: نه، مگر آن‌که برای تشییع برادر دینی‌اش رفته باشد؛ زیرا شکار رفتن، کار باطلی است و نماز در آن، قصر نیست. فرمود: اگر برای تشییع برادرش برود، نمازش قصر است (حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۸، ص ۴۸۱).

آیت‌الله خوئی، دلالت این روایت را بر حرمت، تام دانسته است؛ زیرا دلالت بر این دارد که قصر نبودن نماز، حکمی تبعیدی نیست؛ بلکه چون شکار رفتن مسیر باطلی است و باطل هم (در اینجا) ظاهراً به معنای حرام است؛ و گرنه بطلان در فعل خارجی معنا ندارد؛ زیرا روشن است که مراد از بطلان، بطلان در باب عقود و ایقاعات نیست؛ پس مسیر باطل، یعنی مسیر غیر حق، مساوی است با مسیر غیر جایز و این، همان معنای حرمت است (خوئی، ۱۳۷۹، ج ۱۰، ص ۱۱۱).

\_ در روایت عبید بن زراره آمده است که گفت: «از امام صادق × پرسیدم: مردی برای شکار خارج می‌رود. نمازش را قصر بخواند یا تمام؟ فرمود: تمام بخواند؛ زیرا مسیر حقی نیست» (حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۸، ص ۴۸۰).

این روایت، دلالت بر آن دارد که تمام خواندن نماز برای عنوان صید نیست؛ بلکه از آن روست که این کار، حق نیست؛ به عبارت دیگر معصیت است (خوئی، ۱۳۷۹، ج ۱۰، ص ۱۱۱).

علت دیگری هم می‌توان برای منع از صید لهُو افزود و آن، جلوگیری از انقراض و نابودی ثروت حیوانی است؛ زیرا اگر به انسان میدان داده شود تا بدون هیچ قید و ضابطه‌ای به شکار پردازد، این امر، ثروت حیوانی را با خطر انقراض روبه‌رو می‌سازد و این انقراض، برای محیط زیست و انسان و حیوانات، پیامدهای منفی دارد. از دیگر عللی که می‌توان برای منع از صید لهُو ذکر نمود و شاید مراد از تحریم صید لهُو همین باشد، این است که حیوان دارای جان است و خداوند از ما نمی‌خواهد که بدون نیاز به گوشت یا پشم حیوان و...، بیهوده و صرفاً برای تفریح و سرگرمی جان او را بگیریم.

از این گذشته، حتی اگر هم قائل به حرمت صید نباشیم، به آن سبب که روایات دلالت بر حرمت ندارند، در این شکی نیست که دست‌کم بر کراهت دلالت دارند و بدیهی است که این کراهت، تا حدی در کاستن از صیادی و شکار نقش دارد و همین به حفظ ثروت حیوانی و افزایش آن، کمک می‌کند.

این‌همه زمانی است که بخواهیم مسئله را بر پایه متون خاص توجیه کنیم؛ اما حل این مسئله و سامان‌دهی کار صید و شکار، اعم از لهُوی برای تفریح و سرگرمی یا تجاری و جز اینها، در پرتو قاعده‌های عام پیش‌گفته و در چهارچوب اختیارات حاکم شرعی در محدود یا ممنوع کردن اقدام‌های آسیب‌رسان به محیط زیست و طبیعت، شدنی است.

همه این حقوق که برای حیوان برشمردیم، به روشنی گویای این نکته‌اند که حیوان، برخوردار از شأن و کرامت و منزلت الهی است و انسان حق ندارد به بهانه اشرف آفریده‌ها بودن، مقام و کرامت الهی دیگر مخلوقات را نادیده انگارد.

## نتیجه گیری

از عناصر محیط زیست که از آن سخن به میان آمده، حیوانات است. انسان با تخریب محیط زیست و ایجاد انواع آلودگی‌ها، شرایط زیستی جانداران مختلف را به مخاطره انداخته. مکتب اسلام، نگاه ویژه و همه‌جانبه به جانوران دارد. در منابع اسلامی از حقوق جانوران سخن رفته و سیره معصومان<sup>^</sup> نیز بر اهمیت دادن به آن حقوق و ادای آن دلالت دارد. بعد از ذکر آیات و روایات، به این نتیجه رسیدیم که راهبرد فقه اسلامی در زمینه حیوانات، حمایت از حقوق حیوانات است. در فقه برای حمایت از این حقوق، راهکارهایی وجود دارد که به آنها پرداختیم. برای حفظ حقوق حیوانات و ثروت حیوانی از نابودی، می‌توان از قاعده‌های عمومی سود جست؛ مانند قاعده حرمت افساد یا حرمت اسراف در این عرصه. راهکارهایی از رهگذر تعالیم ویژه را هم مورد بحث قرار دادیم؛ از جمله: تأمین خوراک، باقی گذاشتن شیر در پستان برای تغذیه فرزند، مدارا و ترحم درباره حیوانات، احساس مسئولیت، ممنوعیت شکار تفریحی، ممنوعیت مثله کردن و سوزاندن حیوانات.

## منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. آمدی، عبد الواحد (۱۴۱۰ق)، *غرر الحکم و درر الکلم*، قم، چاپ دوم، دار الکتب الإسلامی.
۴. پاینده، ابوالقاسم، *نهج الفصاحه*، ترجمه ابو القاسم پاینده، چاپ پنجم، انتشارات جاویدان.
۵. جعفری، محمدتقی (۱۹۶۲م)، *ترجمه و تفسیر نهج البلاغه*، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تابستان.
۶. «پتر آلودگی اوزون بر فراز اروپا»، روزنامه همشهری، ش ۳۲۰۸، سال یازدهم، آبان ۱۳۸۲.
۷. حر عاملی، محمد بن الحسن (۱۴۱۴ق)، *وسائل الشیعة* (ط \_ آل البيت)، قم، مؤسسه آل البيت ^ لإحياء التراث.
۸. خشن، حسین احمد (۱۳۹۷)، *اسلام و محیط زیست*، ترجمه حمید رضا شیخی، مشهد، چاپ اول.
۹. خوئی، ابوالقاسم (۱۳۷۹)، *المستند فی شرح العروة الوثقی*.
۱۰. شریعتی، مهدی (۱۳۸۰)، *بررسی مصادر و منابع فقه فریقین*، مشهد، چاپ اول، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۱۱. شعرانی، عبدالوهاب (۱۴۱۳)، *لواقح الأنوار القدسیة فی بیان العهود المحمدیة*، حلب، دار القلم العربی.
۱۲. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۶۴)، *تفسیر المیزان*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۱۳. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۰۷ق)، *الخلاص*، مؤسسه النشر الإسلامی.
۱۴. عاملی، زین الدین بن علی (۱۳۸۳)، *مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام*، مؤسسه المعارف الإسلامیة.
۱۵. قمی، عباس (۱۴۱۴ق)، *سفینه البحار*، چاپ اول، دارالأسوه للطباعة و النشر.

۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۳۶۷)، *اصول من الکافی*، تهران، چاپ سوم، دار  
الکتب الاسلامیه.

۱۷. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الانوار*، بیروت، الطبعة الثانية المصححة، مؤسسه الوفاء.

۱۸. ناصری داوودی، عبد المجید (۱۳۹۱)، *محیط زیست و بهداشت در سیره و سنت  
معصومان*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات  
اسلامی.

۱۹. نجفی، محمد حسن (۱۹۸۱)، *جواهر الکلام*، لبنان، چاپ هفتم، دار إحياء التراث العربی.

۲۰. ولایی، عیسی (۱۳۸۸)، *اسلام و محیط زیست*، قم، چاپ اول، اندیشه مولانا.